



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Volume 2300 – Student Glossary – UNIT 2302

Unit No: 2302

Tags: American Language Course, UNIT 2302, Glossary

Dressing room	رختکن	Suntan lotion	محلول ضد آفتاب
Come on in.	بیا تو. (در استخر و...)	Burn	سوختن، دچار آفتاب سوختگی شدن
Dive	شیرجه زدن	Change	لباس عوض کردن
All at once	یکدفعه	Bathe	حمام کردن، آبتنی کردن
If you get wet <u>all at once</u>, you won't feel cold.	اگر یکدفعه خیس بشی سردت نمی شه.	Bathing suit	مایو شنا، لباس آبتنی
Here I come.	آمدم. بیا که اومدم.	Headfirst	با سر، از سر، با شیرجه
Race	مسابقه دادن	Face down	دمر (صورت به سمت پایین)
Race you across the pool.	تا آنطرف استخر با تو مسابقه خواهم داد. عبارت "I will" در ابتدای این جمله در مکالمه شفاهی حذف شده است.	Alternately	بطور متناوب
Beat	شکست دادن، مغلوب کردن	Face up	قفا (صورت به سمت بالا)
Beat you!	بردمت! شکست دادم!	Fiction	داستان، حکایت
Fair	منصفانه، عادلانه	Poetry	شعر، نظم (در برابر نثر)
That wasn't fair.	منصفانه نبود.	Condense	فشرده شده، چکیده شده، تلخیص شده
Till = until	تا	Condensed article	مقاله خلاصه شده
Just wait till next time.	فقط تا دفعه بعد صبر کن.	Etc. (Et Cetera)	و غیره، و مانند آن
Crawl	خزیدن، کرال (شنا)	And the like	و مانند آن
Stroke	حرکت دست و پا (ورزش)، تکان، ضربه	Entertain	سرگرم کردن
Back stroke	شنای به پشت	Entertaining (adj.)	سرگرم کننده
Take lesson	کلاس رفتن و با استفاده از استاد یاد گرفتن	The country	روستاها، دهات
Did you take lessons, or did you learn by yourself?	کلاس رفتی یا خودت یاد گرفتی؟	No matter	مهم نیست، اهمیت ندارد
Y (Young Men's Christian Association)	اشاره به YMCA انجمن جوانان مسیحی دارد که اعضای آن یک سری برنامه ها و فعالیتهای ورزشی و فرهنگی را در سراسر جهان برنامه ریزی می کنند.	Entirely	بطور کامل، کلاً
I took swimming at the "Y" one year.	یک سال کلاس شنا در [انجمن] Y رفتم.	Subject	موضوع
Exercise	ورزش	Digest	چکیده، خلاصه، تلخیص
It's good exercise.	ورزش خوبیه.	Reprint	بازنشر دادن، مجدداً چاپ کردن
Warm up	گرم شدن	Shortened	کوتاه شده
Towel	حوله	Present	ارایه کردن
Suntan Lotion	برنزه شده (بر اثر نور آفتاب) لوسیون، محلول، کرم	Through	از طریق
		Rather than	به جای
		Once a month	ماهی یک بار
		Mail	پست کردن، از طریق پست فرستادن
		Copy	نسخه (مجله، کتاب، روزنامه)
		As	همچون، همانند
		As with newspapers, the main source of income for	همانند روزنامه ها، منبع اصلی درآمد اکثر مجلات [نیز] تبلیغات است.



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Volume 2300 – Student Glossary – UNIT 2302

Unit No: 2302

Tags: American Language Course, UNIT 2302, Glossary

most magazines is advertising.

Vary (v.)

متفاوت بودن

Literary (adj.)

ادبی، مربوط به ادبیات و سبک ادبی

Quality

کیفیت

Magazines vary in literary quality.

کیفیت [سبک] ادبی مجلات متفاوت است.

Case

مورد

In some cases

در برخی موارد

Value

ارزش

Literary value

ارزش ادبی، کیفیت ادبی، محتوا و ارزش خواندن

Actually

در واقع

Fact

واقعیت

Make up

ساختن

Fiction is made up by the writer.

داستان توسط نویسنده ساخته می‌شود.

Drawing

نقاشی، طراحی، ترسیم

Comment

اظهار نظر کردن، تفسیر کردن، نظر دادن

Call on

درخواست کردن، دعوت کردن

In turn

به نوبت

And so on

و به همین ترتیب

Fine (adj.)

عالی، درجه یک

Is she the kind of a person who likes fine clothes?

آیا او (بانو) از اون آدمهاست که لباسهای درجه یک دوست داره؟

Hobby

سرگرمی، کار تفنی و ذوقی

Imagination

تصور، خیال

Thoroughly (adv)

بطور کامل، کاملاً

Ruler

حاکم، فرمانروا

On the other hand

به عبارت دیگر

Fictitious (adj)

داستانی، تخیلی

Novel

رمان، داستان بلند

We call a long fictitious story a novel.

ما به یک داستان خیالی بلند «رمان» می‌گوییم.

Account

روایت، داستان، شرح، وصف، نقل

Articles are true accounts. مقالات، داستانهای صحیح و درست هستند.

Factual

واقعی، مبتنی بر واقعیت

Articles are factual accounts.

مقالات داستانهای مبتنی بر واقعیت هستند.

Handle

دست زدن به، به کار انداختن، کار کردن با